

ارتباط میان دوران‌ها

تحولات سودمندی در جامعه در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۵۰ واقع گردید. دم زمان به‌خوبی در اجرای «تراژدی خوش‌بینانه» با کارگردانی «گئورگی توفستونوگف»، در «تئاتر درام پوشکین»، در لنین‌گراد احساس می‌شد. این اجرا در مقایسه با اجرای «تایروف» از نمایشنامه، عینی‌تر، گرم‌تر، و رومان‌تیک‌تر بود. پیام عمده‌اش مبارزه‌ی آشتی‌ناپذیر اومانیزم کمونیستی، احترام و اعتماد به مردم برضد احساسات و خوی ضد بشری، مبارزه‌ی زن کمیسر، در برابر رهبر آنارشیست‌ها بود.

«یوری تولوبیف»^۱، رهبر آنارشیت‌ها را همانند مردی گاو پیکر، جسیم، با چهره‌ای بی‌حرکت و چشمان ریز سُبُ تصویر نمود. او هیچ رحمی نمی‌شناسد و شعارش: «من حساب همه‌تان را می‌رسم» بود. «الگا لیزاک»^۲، کمیسر را هم چون زنی ملیح و هوشمند که اقدام به مبارزه علیه رهبر آنارشیت‌ها و مردان‌اش می‌کند، ترسیم ساخت.

این اجرا واقعاً مردم را تکان داد، پلی از گذشته‌ی قهرمانی به زمان حال برپا ساخت. علاقه‌مندی تباداری که مردم در تئاتر، در آن زمان، هنگام تصویر لنین نشان دادند، نیز کاملاً قابل فهم بود.

«تئاتر هنر مسکو» در اثنای جنگ، «ناقوس‌های کرم‌لین»^۳ نگارش «پ. پوگودین» را بر صحنه برد. در ۱۹۵۹، «تئاتر هنر» تولید جدیدی از نمایشنامه ساخت و کوشید در مورد مطالبی صحبت کند که برای معاصران‌اش مهم بود- درباره‌ی فراست «لنین»، فروتنی، رفتار ساده و توجه بسیار او به مردم.

نمایشنامه متمرکز بر تولد نقشه‌ی «لنین» جهت الکتریکی کردن روسیه است. یک نویسنده‌ی انگلیسی که با «لنین» گفتگو می‌کند، می‌پندارد این ایده تخیلی و غیرممکن

است. اما «لنین» تنها تخیل نمی‌کند، او با انرژی کار می‌کند تا کشور را روشن سازد. برای انجام نقشه‌های‌اش، او بزرگ‌ترین مهندسان در صنعت برق را فرا می‌خواند. و این چگونگی ملاقات «لنین» با «زابلین»^۴ مهندس است.

«زابلین» معتقد بود که انقلاب پایان علم و تمدن را نوشت، و این که هیچ کس پس از این به دانش خود احتیاج ندارد. آن زمان که او به کرملین دعوت شد، مطمئن است دستگیر خواهد گردید، و بقیچه‌ای لباس زیر اضافی با خود برمی‌دارد. «بوریس لیوانف»^۵، «زابلین» را همانند مردی مستعد و بزرگ، اما به‌گونه‌ی وحشتناکی لجوج، بازی کرد. با یافتن خود به جای زندان در اطاق کار «لنین»، «زابلین» به طرز ناهنجاری با بقیچه‌ی خود می‌ایستد، اما به طور نخوت‌باری رفتار می‌کند. به‌هرحال، نقشه‌ی عظیم «لنین» جهت گسترش الکتریکی کردن کشور به‌جز رُبایش مهندس صادق و با استعداد هیچ کار دیگری نمی‌توانست انجام دهد، و او به تدریج نرم می‌گردد و موافقت می‌کند با بلشویک‌ها برای ساختن کارخانه‌های برق هم‌کاری نماید.

«لنین» توسط «بوریس اسمیرنوف»^۶ بازی شد؛ «اسمیرنوف» با اعتقادی عظیم موفق به بیان نیروی اندیشه‌ی «لنین»، پرواز رؤیای‌اش و نشان دادن وحدت طبیعی رهبر و انسان، در «لنین» گردید. بازیگر تمامی دریافت‌های خود را بعدها، در قسمت سوم نمایش، تحت عنوان «شور و احساس»، سومین قسمت از تریلوژی درباره‌ی «لنین»، بر صحنه آمده توسط «تئاتر هنر مسکو»، تکامل داد.

دراماتیسست، «میخائیل شاتروف»^۷ مرحله‌ی نوینی در تکمیل هنری ایماژ «لنین» گشود. نمایشنامه‌ی «شاتروف»، «ششم ژولای»^۸، با دقتی مستند، تصویر تاریخی از شورش سوسیال انقلابی‌های چپ، بر ضد قدرت شوراهای، در ۱۹۱۸ و فرونشاندن این شورش را دوباره آفرید.

کارگردان، «لئونید وارپاخوفسکی»^۹ کوشید تا در اجرای‌اش از نمایشنامه، در «تئاتر هنر مسکو»، بر صحت تاریخی واقعه در صحنه تأکید ورزد. ساعت آویزان بر بالای صحنه، زمان دقیق وقایع را نشان می‌داد. جلسات پنجمین کنگره‌ی سراسری شوراهای روسیه، قتل «میرباخ»^{۱۰}، سفیر آلمان توسط شورشیان، و دستگیری «دزرژینسکی»^{۱۱} به‌وسیله‌ی آن‌ها.

ارتباط میان دوران‌ها / ۸۹

تمامی اجرا تحت نفوذ «لنین» که با حرارت و عزم ثابت عمل می‌کرد، بود. «بوریس اسمیرونوف» لنین را پر جنبش و با شوری عظیم بازی کرد.

در نمایشنامه‌ی بعدی «شاتروف»، «بلشویک‌ها»^{۱۲}، به کارگردانی «الگ یفرمف»، «لنین» بر صحنه ظاهر نمی‌شود. واقعه در سی اگوست ۱۹۱۸ رخ می‌دهد، روزی که او توسط یک آدم‌کش زخمی می‌شود. وی به شدت زخمی، در پشت دیواری، در حال مبارزه با مرگ خوابیده است. و در همین حال، منشی‌ها به متصدی تلگراف، متون و دستوراتی را که «لنین» قبلاً صادر کرده بود دیکته می‌کنند. «لنین» زخمی به هدایت «روسیه‌ی شوروی» ادامه می‌دهد. و کمیسره‌های مردم، آن‌گاه که مشکلات را ارزیابی می‌کنند، می‌کوشند تا آن‌ها را آن‌گونه ارزیابی کنند که «لنین» ممکن بود ارزیابی کند.

هیچ کس، پس از یک جلسه کار خسته‌کننده، با شتاب خارج نمی‌شود. جملگی تصمیم می‌گیرند شب را همان‌جا، در تالار مردمی کمیساریا بگذرانند. آنان «لنین» را به‌خاطر می‌آوردند: نصایح خردمندانه‌ی او و توجه بسیارش را. «ذره‌ای از لنین در هر یک از ما وجود دارد» یکی از کمیسره‌های مردم می‌گوید. و نمایشنامه، تصویر جمعی نافذی از بلشویک‌ها- رهبران دولت جوان «اتحاد شوروی» را ارائه می‌دهد.

«سوردلوف»^{۱۳}، با بازیگری «ایگور کواشا»^{۱۴}، خبر مسرت‌بار را می‌آورد- بحران پایان یافت و «لنین» خود گفت: «من بر آن فائق خواهم آمد». کمیسره‌های مردم، سرریز از شادی، به خاطر آرامش مرد مجروح، به زمزمه، شروع به خواندن می‌کنند: «انترناسیونال» سرود حزب. تماشاگران هم چون تن واحدی برپا می‌خیزند.

«تئاتر کمدی و درام»^{۱۵} در «تاگانکا»، تفسیر خود را از ایماژ «لنین» و حوادث انقلاب اکتبر، در نمایشنامه‌ی «ده روزی که دنیا را لرزاند»^{۱۶}، اقتباسی از کتاب «جان رید»^{۱۷}، خبرنگار آمریکائی، عرضه می‌دارد. کارگردان، «یوری لیوبیموف»^{۱۸} در اجرای خود متدهای گوناگون تهیجی- تبلیغی تولید نمایشنامه‌های زمان انقلاب را به‌کار گرفت.

این اجرای ترکیبی، هر چیزی را به‌کار گرفت- پانتومیم. نمایش بوف، سایتر، استعاره و تبلیغ‌گری؛ خاندان «رومانف‌ها»^{۱۹} سقوط می‌کند، و «کرنسکی»، ناجی روسیه، بر پشت دیگران پیوسته بالا و بالاتر به قدرت صعود می‌کند. وی نظیر یک دلقک سیاسی ترسیم

شد.

صدای «لنین» در تئاتر، در سراسر نمایشنامه طنین دارد. «ام. استروخ»^{۲۰}، گزیده‌هایی از مقالات «لنین» و گفتارهای او را می‌خواند، و تصاویر «لنین» بر دیوارهای جنبی تئاتر پرتو می‌افکند. این عمل، این احساس را خلق کرد که «لنین» در حال تماشای وقایع، همراه تماشاگر بر صحنه است، و آن‌ها را به دقت، و گه‌گاه کنایه‌وار، تفسیر می‌کند. نمایشنامه با پیروزی انقلاب پایان می‌پذیرد.

تئاترها، به نمایشنامه‌های «آخرین روزهای توربین‌ها» و «گریز»^{۲۱} اثر «میخائیل بولگاکف» که به نحوی ژرف و بسیار نمایشی اتمسفر جنگ داخلی و اضمحلال جنبش گارد سفید را دوباره خلق می‌کند، روی آوردند. کارگردان، «لئونید ویوین»^{۲۲} یکی از نخستین کسانی بود که «گریز» را در «تئاتر درام پوشکین»، در لنینگراد بر صحنه برد. «نیکلای چرکاسف»^{۲۳} در نمایشنامه، کاراکتر تراژیک «ژنرال خلودف»^{۲۴} را خلق کرد، کسی که برای جنایات خود احساس افسوس می‌کرد. کارگردان، «آندره گنچاروف»^{۲۵} در «تئاتر مایاکوفسکی» و «والنتین پلاچک» در «تئاتر ساتیر»، تفاسیر خود را از «گریز» عرضه داشتند.

دراماتیس‌ها و تئاترها در جمهوری‌های ملی کوشیدند در کارهای‌شان نقش حزب کمونیست و «لنین» را در برنامه‌های اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی ملت‌های توسعه نیافته و تحت ستم پیشین، دوباره بیافرینند. «کامیل یاشین»^{۲۶}، دراماتیس‌ت ازبکی، به این مبحث، درام تاریخی- انقلابی خود «بخارا»- «سپیده دم انقلاب»^{۲۷} را که توسط «تئاتر درام حمزه ازبک»^{۲۸} تولید شده بود، اختصاص داد. کارگردانان، «الکساندر جینزبرگ»^{۲۹} و «آلیم خودزایف»^{۳۰} نمایشنامه را در مقیاس باشکوهی اجرا نمودند و نیروهای انقلابی در حال بلوغ در بخارا، و راه پیچیده‌ی پیروزی طی شده‌ی ترقی‌خواهان آن را نشان دادند.

نمایش «خون و عرق»^{۳۱}، اقتباسی از نوول «آ. نورپیزوف»^{۳۲} در «تئاتر درام کازاخ آئزوف»^{۳۳}، نیز به مقیاسی حماسی انجام گرفت. واقعه متمرکز بر زندگی «یلامن»^{۳۴}، ماهی‌گیر فقیری گردید که به‌خوبی توسط «آسانالی آشیف»^{۳۵} بازی شد. «یلامن» از میان آزمون‌های هولناکی می‌گذرد، از لحاظ اجتماعی آگاه می‌شود، و به ایده‌های مبارزه‌ی انقلابی علیه ستم‌گران می‌رسد. در پایان، او در یک قیام مردمی فعال است.

ارتباط میان دوران‌ها / ۹۱

تئاترها، بارها و بارها به گذشته‌ی تاریخی غرورآمیز، جهت ستایش قهرمانان‌شان و خواندن و یادگیری درس‌هایی برای حال و آینده، روی نمودند.

-
- ¹ YURI TOLUBEYEV
 - ² OLGA LEBZAK
 - ³ KREMLIN CHIMES
 - ⁴ ZABELIN
 - ⁵ BORIS LIVANOV
 - ⁶ BORIS SMIRNOV
 - ⁷ MILKHAIL SHATROV
 - ⁸ JULY THE 6
 - ⁹ LEONID VARPAKHOVSKY
 - ¹⁰ MIRBACH
 - ¹¹ DEZERZHINSKY
 - ¹² THE BOLSHEVIKS
 - ¹³ SVER DLOV
 - ¹⁴ JGOR KVASHA
 - ¹⁵ THE DRAMA AND COMEDY THEATRE
 - ¹⁶ THE TEN DAYS THAT SHOOK THE WORLD
 - ¹⁷ JOHN RHEED
 - ¹⁸ YURI LYUBIMOV
 - ¹⁹ THE ROMANOVs
 - ²⁰ M. STRAUKH
 - ²¹ THE FLIGHT
 - ²² LEONID VIVYEN
 - ²³ NIKOLAI CHERKASOV

²⁴ GENERAL KHLUDOV

²⁵ ANDREI GONCHAROV

²⁶ KAMAIL YASHIN

²⁷ DAWN OF THE REVOLUTION- BUKHARA

²⁸ THE KHAMAZA UZBEK DRAMA THEATRE

²⁹ ALEXANDER GINZBURG

³⁰ ALIM KHODZHAYEV

³¹ THE BLOOD AND SWEAT

³² A. NURPEISOV

³³ THE KAZAK AUEZOV DRAMA THEATRE

³⁴ YELAMAN

³⁵ ASANALI ASHIMOV